



۲۰۲۱ / ۱۲ / ۲۴

کاندید اکادميسين سيستاني

ارواح خبیثه در تلاش تخریب شاه امان الله



در تاریخ معاصر افغانستان دوره ده ساله سلطنت شاه امان الله ، فصل درخشان تجدد خواهی و بیداری و استقلال طلبی و قانون مداری در افغانستان است. اگر این فصل را که آغاز تنور و تجدد و تحول طلبی است از تاریخ کشور حذف کنیم یا انرا سیاه جلوه بدهیم ، دیگر چیزی برای یاد کردن و یادگرفتن از استقلال و نخستین اقدامات مدنی جهانشمول نداریم .

برای دفاع از این فصل درخشان اما ناتمام تاریخ کشور نباید به سخنان ارواح خبیثه گوش داد. این ارواح خبیثه را که بهترین دوره تاریخی کشور را سیاه جلوه می دهند باید شناخت .

شاه امان الله در لباس سربازی در ۲۸ فیبروری ۱۹۱۹

به نظر من اینها عبارت اند از؛

- ۱- نویسندگان وابسته به تنظیم های جهادی برگشته از پاکستان ،
- ۲- تحصیل یافتگان تاریخ در کشورهای استعماری ،
- ۳- شاعران و هنرمندان نوازش دیده استخبارات پاکستان ،
- ۴- پیروان راه و رسم بچه سقو ،
- ۵- تحصیل یافتگانی که هنوز تضاد های تباری و قبیله‌ای را در بالاخانه ذهن خود محفوظ داشته اند و در نوشته های خود بروز میدهند؛
- ۶- دو خانواده روحانیت متنفذ کابل و مریدان شان که درصديت با ريفورمها و برنامه های ترفیخواهانه شاه امان الله قرار داشتند و هنوز هم قرار دارند.

این گروه ها برای خوشنودی انگلیس و نطفه استعماری اش (پاکستان) از امان الله خان بخاطر کسب استقلال کامل سیاسی کشور از بریتانیا و طرح و تطبیق اصلاحات اجتماعی و انفاذ نخستین قانون اساسی و اعلام تساوی حقوقی زنان با مردان و حق تحصیل و کار زنان و تعمیم معارف سرتاسری در کشور خوشحال نمیشوند و بجای آن از یک دزد بیسواد و ضد علم و معارف که دروازه های مکاتب

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

را بروی فرزندان کشور مسدود کرد به عنوان خادم دین رسول الله خوشحال و خوشنود میگردند.

برخی از نویسندگان ایدئولوژی زده و تنگ نظر [امان الله ستیز] پس از پخش و نشر اعلامیه شاه امان الله تحت عنوان (کشف الحال نادرشاه بقلم اعلیحضرت امان الله خان) به تلاش افتاده اند تا عقده تباری خود را یکجا با شایعات و پروپاگندهای ساخت انگلیس برای بدنام کردن آن شاه مترقی و متجدد تبارز دهند و بخود می بالندتا از لابلای آثار نویسندگان استعماری، عباراتی را نقل قول کنند که انگشت انتقادشان را به سوی شاه امان الله دراز کرده باشند.

این نویسندگان مغرض حتی از نقل شایعاتی که از سوی روحانیون مرتجع برضد اصلاحات اجتماعی شاه تبلیغ میشدند هم دریغ نمیورزند تا مگر از محبوبیت آن شاه ترفیخواه و متجدد در میان نسل جوان کشور بکاهند و پله برتری کسانی که با حمایت انگلیس بعد از امان الله روی صحنه قدرت آمدند را بالا ببرند ، همانگونه که پدران شان بقول پوهاندحیبی در جنگ غزنی با قتل فجیع ۲۰ تن از طلایه داران درانی لشکر قندهار در حوالی قره باغ غزنی و انداختن نعش شان برپایه های کج تلفون و نوشتن پیامی **لارنس منشانه** به این مضمون «**این مهانی از جانب اقوام غلجی به اقوام درانی**!» (رک: جنبش مشروطیت در افغانستان) در خدمت سقو قرار گرفتند و خود را شرمسار تاریخ کردند.

برخی از نویسندگان خودخواه و شهرت طلب که روزگاری از اندیشه های «مارکسیزم- لنینیزم» تغذیه میکردند و برضد نظام سلطنت ، شعار: مرگ برظاهرشاه! وزنده بادحکومت زحمتکشان! سر میدادند و یک آدم مکتب خوانده را «نابغه شرق» لقب داده بودند و زمین وزمان را بخاطر ستایش و پرستش او سرخ ساخته بودند، اکنون با ۱۸۰ درجه عقب گرد از ایدئولوژی کمونیستی با نگاشتن مقالاتی که در آن هم توصیف و هم تخریب از شاه امان الله شده است باروش ارتجاعی (هم به میخ و هم نعل زدن) میخوانند عقده های بی کفایتی و ناکامی خود را با «فراری» خواندن و «راندن» شاه از سوی مردم حل کرده شهرت و شخصیت کمائی کنند.

کسی که خود اهلیت و شایستگی اداره یک وزارت با دوهزارمأمور منور درس خوانده و کارفهم را نداشت و در مدت یک سال و چندماه وزارتش، کوچک ترین خدمتی به فرهنگ و زبان ملی پشتو ننمود و حتی جرات نداشت لوحه نام وزارت را به دو زبان رسمی کسور تصحیح کند، و از دست چندمأمور زیرکتر و هوشیار تر از خود که مانع سوء استفاده هایش میشدند مجبور به فرار گردید، اکنون بخود اجازه میدهد تا شاه امان الله را مثل خود آدم بی کفایت بشمارد و بگوید که مردم او را از کشور «راندند». در پشت این سخن طعنه امیز تعصب «انتهی درانی» بودن نویسنده بخوبی دیده میشود. متأسفانه بک چنین سخن طعنه امیز از سوی داکتر اشرف غنی نیز گفته شد که با عکس العمل من و تعداد دیگری از اخلاصمندان راستین آن شاه رویرو شد. استاد این آدم دایم الخمر، داکتر حسن کاکر که هفت سال در انگلستان تحصیل کرده نیز زمانی گفته بود، در شورش خوست بر رهبری ملای لنگ و شورش شینوار و سقوی انگلیسها هیچ نقشی نداشته اند و هیچ سندی در این زمینه در دست نیست یک نفر دیگر بنام داکتر زمان ستانیزی هم که تحصیل کرده امریکاست، تجلیل از استقلال را

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

مثل رقصیدن پسر در عروسی مادرش خجالت اور می شمارد و آقای باری جهانی اصلاحات امانی را مسخره میکند و علت سقوط شاه را اصلاحات قبل از وقت او میداند. این مثلث تخریب شاه امان الله بلحاظ قومیت غلجی اند، متأسفانه مخالفت شان اگر «دستوری» نباشد، میتوان گفت که از همان تضاد قبیلوی «درانی و غلجی» منشاء میگیرد.

اما نویسندگان حقیقت پرستی چون داکتر سید عبدالله کاظم و داکتر عبدالرحمن زمانی و آقای احسان لمر و دیگرانی که هیچ نسبت قومی و تباری با شاه امان الله ندارند شجاعانه و بیغرضانه در دفاع از نهضت مترقی امانی و کارکردهای تجدد طلبانه شاه امان الله قرار دارند و تمام ادعای های این مثلث تخریب را با مدارک و اسناد معتبر آرشیو های محرم هند برتانوی تردید می کنند. (آرشیف مقالات شان د پورتال افغان جرمن آنلاین گواه ادعای من است.)

شاه امان الله کسی بود که توانست شجاعانه مدت ده سال بریک کشور چهارپنج میلیونی که ده مرتبه بیسوادتر از امروز بود با اقوام و طوایف غرق در جهالت و خرافات و عنعنات پوسیده قرون وسطائی حکومت کند و بانافذ کردن یک قانون اساسی مدرن با عالی ترین اساسات حقوقی، باب تجدد و مدرنیته را بروی شان بگشاید و با وجودی که میدانست تامین عدالت و تطبیق قانون در کشور سبب دشمنی قشر مفتخوار جامعه در برابر او میگردد، معهذرا در راستای عدالت و اهداف مشروطیت برای حرکت جامعه به پیش در نخستین هفته رسیدن بقدرت، معاشات و امتیازات نسبی سرداران محمدزائی و معاشات مستمری خانها و ملکان و پیرها و روحانیون مفتخوار را قطع کرد و اصل کارکردن را معیار گرفتن معاش دانست و به کاکایش که از اوشاکی بود گفت برو دکار کند و در بدل کار خود معاش بگیرد.

شاه امان الله تازمانی که در سفر اروپائی خود از اتحاد شوروی دیدار نکرده بود، از محبوبیت زیادی در میان مردم برخوردار بود ولی از روزیکه شاه بدون پروای خفگی انگلیس، برنامه مسافرت خود به اتحاد شوروی را عملی نمود، با پروپاگاندا و تبلیغات مخرب انگلیس و جواسیس ان در داخل کشور روبرو گردید و متهم به خوردن گوشت خوک شد و عکس های مونتاز شده ملکه ثریا در میان قبایل پخش گردید و بوسیله روحانیون وابسته به انگلیس در میان مردم تبلیغ شد که شاه و ملکه در اروپا به کلیسا رفته و از دین برگشته آند، به این صورت روحانیون مرتجع متنفع مردم ساده دل و خوش باور افغانستان را بشورش واداشتند و شورشیان با اقدامات خشونت بار و ضد مدنی خود شاه را از سلطنت دلسرد کردند. شاه که مردم افغانستان را مثل مردمک چشم خود دوست داشت و نمیخواست که خون مردم بخاطر سلطنت او ریختانده شود، از قدرت استعفی داد و به قندهار رفت. و سپس با وجود آمادگی و سر سپردگی مردم قندهار و هزاره جات و وردک و کور در راه اعاده پادشاهی به او، از رسیدن بقدرت از راه زور منصرف و از کشور خارج شد.

به نظر من برای شاه امان الله تنها همین افتخار کفایت میکند که مدت هفت ماه مردم هزاره جات

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

ووردک و غوربند و کاپيسا و وزيرستان بدون چشم داشت بک حبه ویک دينار در دفاع از سلطنت شاه امان الله با قوت های سقوی رزمیدندواز تابعیت به حکومت سقوی سر باز زدند تا سرانجام جنگجویان وزیر و مسعود گلیم سقوی را از کشور جمع نمودند .

شرم باد بر نویسندگان و مورخان که دوره درخشان امانی را سیاه جلوه می دهند و دوره تاریک سقوی و دوره استبدادی نادر را بر عصر امانی ترجیح داده دل دشمنان افغانستان را شاد می کنند.

باقی دارد

د پانو شمیره: له ۴ تر۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ